

شما در ابتدای صحبتها تان اشاره کردید که از نوجوانی به تئاتر و هنر نمایش علاقه مند بودید اما چرا فعالیت تان را به صورت حرفه‌ای در این عرصه ادامه ندادید؟

به خاطر اینکه در تئاتر پول وجود نداشت و من هم در شرایطی بودم که نمی‌توانستم بدون پول کار کنم چون به هر حال باید از این طریق ارتزاق می‌کردم. دوبله پول داشت و من همین حرفه را ادامه دادم. البته دستمزد من از دوبله هم کم زیاد شد و این طور نبود که در همان ابتدای راه پول خوبی به من



بدهند. خیلی پله پله دستمزد مرا بالا بردم چون به هر حال من نقشهای اصلی فیلمها را دوبله می‌کردم. زمانی که من وارد کار دوبله شدم، آقای عزت‌الله مقبلی یکی از صاحبان این حوزه بود و یک سری از نقشها را

بجز ایشان هیچ کس نمی‌توانست بگوید. در واقع یک سری از نقشهایی

که آقای مقبلی می‌گفت، رلهای اختصاصی خود ایشان برای دوبله بود. مثلاً دو کاراکتر لورل و هاردی را آقای مقبلی و زنده‌یاد حسن عباسی می‌گفتند و بعدها که یک عزیز دیگری آمد به جای آقای مقبلی حرف بزند، مردم دوبله ایشان را قبول نکردند. در زمان حضور آقای مقبلی من هم رلهای اختصاصی خودم را داشتم اما زورم به آقای مقبلی نمی‌رسید ولی بعدها در کارم حرفه‌ای‌تر شدم و اعتبار بیشتری در این حوزه پیدا کردم. الان هم

به واسطه همین اعتبار حاضر نیستم در پروژه‌هایی حضور پیدا کنم که به سابقه و اعتبارم لطمه می‌زند.

چرا برخلاف بسیاری از همکارانتان در حوزه گویندگی و دوبله، شما هیچ وقت به طور مستمر در رادیو کار نکردید؟

من اصولاً از رادیو بدم می‌آید و نمی‌دانم چرا رادیو را دوست ندارم. اگر رادیوی ماشین من می‌توانست شهادت بدهد، الان به شما می‌گفت که من هیچ وقت آن را روشن نکردم. البته چند بار به دلایل مختلف در رادیو حضور پیدا کرده‌ام. مثلاً یک بار هنر مند

گرانقدر کشورمان زنده‌یاد منوچهر نوذری مرا به برنامه "صبح جمعه با شما" دعوت کرد و من ۳-۴ جلسه در آن برنامه حضور پیدا کردم و آمدم بیرون. یک بار هم خانم مریم شیرزاد مرا به برنامه "رنگین کمان" دعوت کرد که من در آنجا هم فقط دو ماه دوام آوردم. همچنین آقای محمد صالح علاء نیز یک دوره مرا به رادیو تهران برد اما مدتی

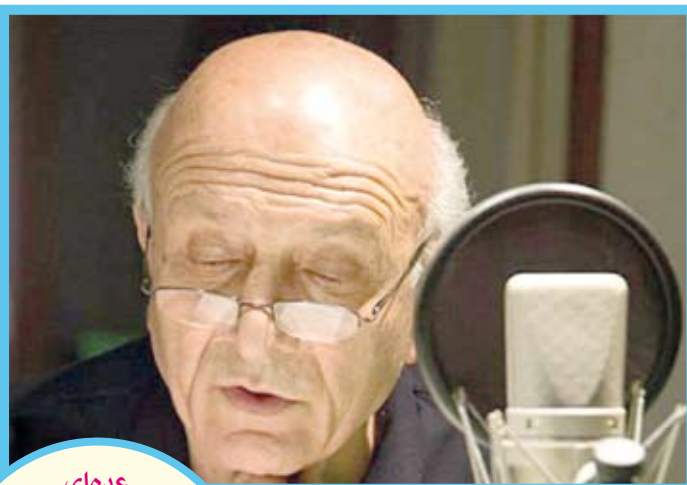
بعد متوجه شدم که تهیه کننده آن برنامه خود آقای صالح علاء نیست و از آن برنامه هم خارج شدم. در رادیو پول خیلی کمی به گویندگان می‌دهند و برای من به صرفه نیست در آنجا کار کنم.

در حال حاضر فضای ورود جوانان به عرصه دوبله چقدر فراهم است؟

عده‌ای می‌گویند مسیر ورود جوانان به عرصه دوبله بسته است و من نمی‌دانم منظورشان چیست. مگر قرار است ۴۰ میلیون نفر وارد حرفه دوبله شوند؟ دوبله یک تعداد مشخصی

کار بلد این حرفه را می‌خواهد و متأسفانه آنقدری هم پول ندارد که همه برای آن ذوق کنند. الان شما اگر بروید از یکی از همین جوانهای فعال در واحد دوبله تلویزیون سؤال کنید که چقدر حقوق می‌گیرد، به شما می‌گوید حقوقش ماهانه ۶۰۰ هزار تومان است! من دیده‌ام خیلی از همکارانم در

آموزشگاهها به جوانان دوبله آموزش می‌دهند، در حالی که هیچ کدام مجوز این کار را ندارند. تنها کسی که در عرصه دوبله مجوز این کار را دارد من هستم چون درجه و مدرک آن را از وزارت فرهنگ و ارشاد گرفته‌ام. به من اجازه تدریس در دانشگاهها و آموزشگاهها را داده‌اند اما دیگر دوستان این مجوز را ندارند و کلاسهایشان به صورت غیر قانونی برگزار می‌شود. البته من چند نفر از همکارانم را می‌شناسم که باوجدان هستند



عده‌ای می‌گویند مسیر ورود جوانان به عرصه دوبله بسته است و من نمی‌دانم منظورشان چیست. مگر قرار است ۴۰ میلیون نفر وارد حرفه دوبله شوند؟

و قصدشان تربیت نسل جدید دوبلورهاست اما بقیه فقط دارند از جوانان پول می‌گیرند و هیچ چیزی هم به آنها یاد ندهند. جوانها می‌آیند و این حرفها را به من می‌گویند. یک خانمی با دو دیپلم فن بیان و دوبله پیش من آمده بود

و می‌گفت ۲/۵ میلیون تومان برای گرفتن این مدرکها هزینه کرده است. بر سیدم چه چیزی یاد گرفته‌اید؟ ایشان گفت هیچی. گفتم پس آن مدرکها را ببیند ازید در سطل آشغال! البته خود این جوانها گناهی ندارند. آنها با هزار سختی یک مبلغی را جور می‌کنند و به آموزشگاهها می‌پردازند تا دوبله یاد بگیرند اما اکثر کسانی که دوبله تدریس می‌کنند هیچی به آنها یاد نمی‌دهند.

برنامه‌ها و مسابقات استعدادیابی نظیر "جادوی صدا" تا چه اندازه خروجی مثبتی برای گویندگی و دوبله دارند و خود شما پیشکسوتهای این حوزه چقدر می‌توانید به حضور هنر جوها در عرصه دوبله کمک کنید؟

متأسفانه این برنامه‌ها هیچ خروجی مثبتی ندارند. تلویزیون بزرگترین دروغگو و چاپلوس دنیا است! آقای حسین خانی تهیه کننده مسابقه "جادوی صدا" دوست من است اما در قرارداد ما ذکر نشده بود که این برنامه اسپانسر مالی دارد اما بدون اطلاع ما از همان برنامه اول یک اپلیکیشن مالی را تبلیغ کردند. من گفتم این تبلیغات را حذف کنید تا من بیایم. آقای حسین خانی گفت این اپلیکیشن با شبکه قرارداد بسته است اما من گفتم به ما ربطی ندارد چون شما این را در قرارداد ذکر نکردید. در آخر کار ما به دعوا با نماینده این اپلیکیشن کشید. تلویزیون از این اپلیکیشن پول خوبی می‌گیرد و اپلیکیشن هم چند برابرش را با پول مردم به دست می‌آورد. مردم با این اپلیکیشن رأی می‌دهند و پولش می‌رود توی جیب صاحبان این اپلیکیشن. دیروز تلویزیون را خیلی اتفاقی روشن کردم و دیدم که برنامه "دوبله و سینما" که من و آقای منوچهر والی زاده در آن حضور داشتیم برای چندمین بار از شبکه نمایش بخش می‌شود. تکرار آن برنامه را فقط سه بار خود من دیدم. ما به خاطر آقای مطمئن زاده به آن برنامه رفتیم چون ایشان دائرةالمعارف سینمای متحرک ایران هستند و همه برایشان احترام قائل‌اند. متأسفانه متوجه شدم حتی پول آقای حسین مطمئن زاده را هم خورده‌اند و زحمتهای ایشان برای ۵۰ قسمت برنامه دود هوا شده است. من میانه خوبی با تلویزیون و رادیو ندارم و فقط به خاطر حضور یک شخص خاص است که واحد دوبلاژ تلویزیون را تحمل می‌کنم. متأسفم که این را می‌گویم اما در تلویزیون شارلاتان بازی وجود دارد.

بقیه در صفحه ۵۳